

کارپایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)

پرویز پیران*، میرطاهر موسوی**، ملیحه شبانی***

طرح مسأله: مقاله حاضر با نگاهی به مفهوم و سازه (Construct) به‌عنوان سنگ‌بنای هر بحث و مسأله‌ای علمی و به جایگاه شاخص و شاخص‌سازی به‌عنوان ابزار فرود آمدن از دنیای انتزاع و عرصه نظر به حیطه‌های پرشر و شور زندگی، بر این نکته تأکید روا می‌دارد که علم با جوهر یا ذات مباحث و مسائل که موضوع هستی‌شناسی است سروکار ندارد و به پدیده‌ها بدان سان که ادراک و مشاهده می‌شوند پرداخته و در عرصه شناخت‌شناسی به بحث می‌پردازد.

روش: سرمایه اجتماعی (Social Capital) با استعانت از روش کتابخانه‌ای به‌عنوان مفهومی که چون بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی و انسانی سهل و ممتنع است، مورد چندوچون قرار گرفته، ادعا می‌شود که این مفهوم سخت پیچیده و دارای ابعادی متنوع است.

یافته‌ها و نتایج: مقاله با ارائه تعاریفی که از سوی متفکران مختلف در محدوده‌ای نودساله مطرح شده‌اند به کلیدواژه‌های پایه‌ایی به کار رفته در تعاریف اشاره می‌نماید، تعاریفی که کارپایه یا چارچوب سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورد. به هنگام معرفی کارپایه مفهومی به کارکردهای گوناگون آن نیز اشاره شده است. بالاخره آن که ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی به نحوی گذرا مورد بحث قرار گرفته، کوشش‌های به عمل آمده در جهت مفهوم‌سازی (Conceptualization) معرفی گردیده‌اند.

کلیدواژه‌ها: اجتماع محلی، اعتماد، سازه، سرمایه اجتماعی، مشارکت و عضویت
تاریخ دریافت: ۱۵/۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۵/۱۱/۲۵

* دکتر جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، عضو آکادمی سوئیس برای توسعه
<Pooria@mavara.com>

** دکتر جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

*** دکتر جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

مقدمه

سخن بر سر مفهوم سرمایه اجتماعی، کارپایه مفهومی و مفهوم سازی آن است. در بخش پایانی بحث حاضر و به عنوان نتیجه گیری از بحث نیز به پیش شرط های چندی که به کاربرد سرمایه اجتماعی در ایران مربوط اند اشاره ای گذرا خواهد شد تا بر مقید بودن زمانی و مکانی این مفهوم، تاکید گردد.

سرمایه اجتماعی، زاده کنش و واکنش های افراد می باشد و محصول آشنا بودن و آشنا شدن آدمیان با یکدیگر است و بر چشم داشت هایی استوار است که از آشنایی جان می گیرد و در اکثر مواقع با گذر زمان می بالد و گسترده می شود. استعاره مکرر به کار رفته برای معرفی سرمایه اجتماعی، یعنی «آن چه که می دانید مهم نیست، آنکه می شناسید مهم است» دقیقاً بر آشنایی و نتایج حاصل از آن دلالت دارد. در عین حال فرض بر آن است که آشنایی در اکثر مواقع فایده مند است و این فایده مندی نوعی منبع حاوی ارزش به شمار می رود که کاربرد مفهوم «سرمایه» در سرمایه اجتماعی را قابل دفاع می سازد. منبع ارزشمند یاد شده نیز روزی به کار می آید و قابل استفاده می شود اما استفاده از آن به چشم داشت های اجتماعی دیگری جان می بخشد که حاوی بازپرداخت می باشد. از این روی مفهوم مبادله نیز به میان می آید که باز هم کاربرد «سرمایه» را بیشتر توجیه شدنی می سازد.

از آن جا که کنش و واکنش های افراد در درون قالب هایی جمعی رخ می دهد که اجتماعاً بنا شده اند، مواردی چون خانواده، گروه، سازمان، نهاد و در کلی ترین شکل آن ساختار اجتماعی چنین قالب هایی نیز حاوی سرمایه اجتماعی می گردند. از سوی دیگر روابط یا کنش های متقابل اجتماعی تنها در قالب روابط دو انسان با هم که ساده ترین نوع کنش و واکنش است، خلاصه نمی شود و در آن محدوده باقی نمی ماند و در چشم به هم زدنی تکثیر می شود و مجموعه ای درهم تنیده و متکثر از کنش و واکنش ها یا روابط متقابل اجتماعی را پدید می آورد، از این روی پای شبکه اجتماعی نیز به میان می آید. در نکات پیش گفته برخی از مهم ترین مفاهیمی که به هنگام سخن گفتن از سرمایه اجتماعی اهمیتی وافر دارند و به کار می آیند، مطرح شده اند. مثلاً آشنایی یعنی همان واقعیت اجتماعی ای که

پیش‌شرط زاده شدن سرمایه اجتماعی است نیز اشکال فوق‌العاده متنوعی به خود می‌گیرد که دارای شدت و گستردگی گوناگونی است و با توجه به بعد و فاصله، معانی متنوعی پیدا می‌کند و بحث انتخاب را مطرح می‌سازد. همچنین نوع آشنایی انواع چشم‌داشت‌هایی اجتماعی را جان می‌بخشد، چشم‌داشت‌هایی که گاه با هم در تضاد قرار می‌گیرند.

مجموعه بالا که به نحوی گذرا به مفاهیم متعددی اشاره دارد، شناخت کارپایه یا چارچوب مفهومی و اشکال مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی را فوق‌العاده مهم می‌سازد. این اهمیت با درک پیچیدگی مفهوم سرمایه اجتماعی از یک سو و توجه فوق‌العاده چشم‌گیر به این مفهوم در بیست سال گذشته و هم‌زمان شدن کاربرد آن در محافل علمی و دانشگاهی و همچنین در فرهنگ عمومی، دو چندان گردیده است.

ناگفته نمی‌توان گذاشت و گذشت که حجم عظیم منابعی که در مدتی نسبتاً کوتاه در مورد سرمایه اجتماعی فراهم آمده، به وسیله اینترنت در اختیار عموم قرار گرفته، گرچه از جهاتی سخت مبارک است، لیکن در عین حال کار تشخیص سره از ناسره را سخت دشوار می‌سازد. متأسفانه در مجموعه نسبتاً وسیعی که منابع و متون سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورند (منابع و متون معادل درست واژه لاتین "Literature" است که به غلطی فاحش آن هم گاه به اصرار ادبیات خوانده می‌شود و در مواردی جنبه‌ای سخت مضحک به خود می‌گیرد و سخن از ادبیات شهرسازی، معماری، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتماً در آینده ادبیات فیزیک و شیمی و پزشکی نیز به میان می‌آید)، در کنار منابع ارزنده و آموزنده، مطالب کاملاً نادرست و حاوی بدآموزی‌ها و نادرست‌آموزی‌ها نیز فراوان‌اند. این واقعیت، مرور کارپایه مفهومی و معرفی تلاش‌های انجام شده در جهت مفهومی کردن یا مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی را ضروری می‌سازد.

۱) کارپایه مفهومی، ضرورت و کارکردهای آن

هر علمی و به تبع آن هر موضوع علمی از مجموعه‌ای به هم پیوسته تشکیل می‌شود که به ترتیب عبارتند از کارپایه یا چارچوب مفهومی، کارپایه نظری، کارپایه روش‌شناختی، تطور

تاریخی و مباحث، مسائل و مشکلات آن علم یا موضوع علمی. بدیهی است که هر پژوهشی بدون توجه به حیطه، عرصه یا وادی تخصصی و علمی‌ای که پژوهش در آن انجام می‌شود، از طریق معرفی و به هم پیوستن مفاهیم چندی پدید می‌آید. منطقاً این پرسش مطرح می‌شود که «مفاهیم» یا مفرد آن، «مفهوم» به چه معناست؟ مفهوم یا "Concept" معنای ویژه‌ای است که یا به واژه‌های موجود در زبانی خاص داده می‌شود و یا برای کاربردی خاص، واژه‌ای جدید پدید می‌آید.

علوم مختلف که در طی زمان به تدریج پدید می‌آیند نیز چیزی جز زبانی خاص نیستند که در جهت القاء معانی ویژه‌ای به کار می‌روند. کسانی که با هر علمی آشنا هستند، زبان آن علم را می‌شناسند و به همین دلیل معانی آن را درک می‌کنند. زبان علمی نیز از مجموعه‌ای واژه پدید آمده است که آن‌ها را «مفهوم» می‌نامند.

باید توجه داشت که مفهوم، محصول کار فکری است. مفاهیم از واژه‌ها و علایم یا نشانه‌ها و نمادها ساخته می‌شود. واژه‌ها و نشانه‌هایی که برای ساختن مفهوم به کار می‌روند، برای افراد فعال در رشته‌ای خاص که مفهوم در آن رشته ساخته می‌شود، آشنایند. مفاهیم، معرف اشیاء، کیفیات، چیزها و ویژگی‌هایند. بنابراین «مفهوم» واژه‌ای است که ویژگی، کیفیت یا رابطه خاصی را توصیف می‌کند. به بیان دیگر، مفهوم تصویری ذهنی است که معرف پدیده‌هاست. این تصویر ذهنی می‌کوشد تا دنیای ذهن و فکر را به دنیای تجربی، عینی و مشهود پیوند زند و با معنا سازد. سازه‌ها همان‌گونه که از نام آن‌ها پیداست ساختنی‌اند و لذا در عالم واقع بدان‌سان که ساخته می‌شوند وجود خارجی ندارند. به همین دلیل سازه‌ها به مفهوم نمونه نظری^۱ نزدیک‌ترند. به‌طور خلاصه، «سازه» مفهومی ساخته شده برای یاری رساندن به تجزیه و تحلیل علمی و تعمیم‌دهی می‌باشد که به نحوی غیرمستقیم از پدیده‌های مشهود استنتاج می‌شود. پس مشخص می‌گردد که هم مفهوم و هم سازه ابزار فرود آمدن از دنیای انتزاعی و جهان جواهر به دنیای علم و دنیای تجربی برای خلق معنا، آن هم از طریق بررسی‌های علمی محسوب می‌شوند.

1. Ideal Type

بحث از مفاهیم مختلف مرتبط با مفهوم کلیدی مطالعه‌ای خاص یا بررسی و پژوهشی مشخص و نحوه کنار هم قرار گرفتن و خلق معنا توسط آن مفاهیم، مفهوم‌سازی خوانده می‌شود. جالب آن‌که مفهوم‌سازی یا مفهومی کردن در زبان انگلیسی معنای بحث آغازین را نیز القاء می‌نماید و دست به کاری زدن و دست به کار شدن را می‌رساند که با شروع رساله‌های علمی از طریق معرفی کارپایه یا چارچوب مفهومی سخت با معنا می‌گردد. همچنین باید توجه داشت که چارچوب یا کارپایه نظری که معمولاً در هر تحقیقی یا رساله‌ای پس از معرفی و بررسی کارپایه مفهومی ارائه خواهد شد نیز چیزی جز پیوند مفاهیم مرتبط یا موضوع به یکدیگر نیست. اساساً نظریه علمی از پیوند مفاهیم برای ارائه مدلی تشریح‌کننده از واقعیتی خاص پدید می‌آید.

سرمایه اجتماعی چنان‌که از این عنوان برمی‌آید، از پیوند دو مفهوم سرمایه و اجتماعی ساخته شده است و از جمله مفاهیم جدید و سخت پیچیده جامعه‌شناسی است که به سرعت به رشته‌های علمی گوناگون راه یافته و همه‌گیر شده است. به همین دلیل معرفی کارپایه مفهومی این موضوع اهمیتی دو چندان می‌یابد. کارپایه مفهومی وظایف متعددی را بر عهده دارد.

کارپایه مفهومی نه تنها به تعاریف مفهوم کلیدی هر بحث مطروحه و دگرگونی‌هایی که این مفهوم از سر گذرانده است، اشاره خواهد کرد، بلکه مجموعه مفاهیمی که نگارنده بر آن انبان مفهومی نام نهاده است و به مفهوم مادر یا کلیدی بحث مربوطاند را نیز معرفی می‌دارد. چارچوب مفهومی، گستره^۱ تعریف‌کننده، معرفی نماینده، تشریح سازنده و بالاخره تبیین‌کننده مفاهیم را مورد پرسش قرار می‌دهد، آن هم بدین امید که زمینه طرح کارپایه نظری آن پژوهش فراهم گردد و نظریه آغازین و هدایت‌کننده تحقیق مطرح شود. پس آنگاه بر پایه کارپایه نظری پژوهش می‌توان به مدد سازه‌ها از دنیای نظری فرود آمد و در دنیای پرشر و شور و زنده زندگی گام نهاد و عملیات سنجش عینی را آغاز نمود. بر این اساس بیهوده نیست که کارپایه مفهومی و کارپایه نظری هر موضوع، مسأله و

1. Scope

بحثی را آغازگر پژوهش‌های کمی و کیفی و میدانی در باب آن موضوع تلقی داشته‌اند و بر اهمیت بدون جایگزین آن‌ها تأکیدی به سزا روا می‌دارند.

چارچوب مفهومی در کنار کارکرد بی‌بدیل بالا، ابزار نظم بخشی به بحث و از طریق آن نظم بخشی به تفکر نیز به شمار می‌رود. اتفاقاً سرمایه اجتماعی یکی از برجسته‌ترین مثال‌ها در این زمینه است. زیرا محدوده کاربرد سرمایه اجتماعی آن‌چنان وسیع گردیده است که ناگزیر با تناقضات گوناگونی همراه شده و ابعاد و جوانب متعددی یافته است. بدیهی است که هیچ پژوهشی نمی‌تواند به یکباره تمامی ابعاد یاد شده را دربرگیرد و چنانچه ادعایی در این زمینه مطرح شود گویای ناآگاهی مطرح‌کننده در باب سرمایه اجتماعی است. برای مثال سرمایه اجتماعی ابزار سنجش خط‌مشی‌های اجتماعی^۱، شکاف حکومت و مردم، روابط گروهی، سازمانی، نهادی، شبکه‌ای، سطوح و ابعاد همکاری، مشارکت فعال، پویایی گروهی^۲ و بدون اغراق، ده‌ها موضوع دیگر است (نگاه کنید به Franke, 2005). بدیهی است در چنین شرایطی امور مهمی چون گزینش، دسته‌بندی، تشخیص تقدم و تأخر و رابطه بین مفاهیم گوناگون که مرحله‌ای مهم در هر پژوهش روشمند است، به غایت حیاتی می‌گردد. کارپایه مفهومی چنین اموری را برعهده می‌گیرد و انتظار می‌رود که به فرجام رساند. سرمایه اجتماعی در عین حال دارای مصداق‌های متنوعی است که باز هم امر گزینش را الزامی می‌سازد و چارچوب مفهومی بدین کار باید دست‌گشاید و از عهده آن برآید. چنین ادعایی درباره کارکردهای سرمایه اجتماعی نیز صادق است. از سوی دیگر سرمایه اجتماعی در شرایطی متغیری مستقل تلقی شده، مجموعه‌ای نسبتاً گسترده از متغیرهای دیگر که وابسته تلقی می‌شوند را جان می‌بخشد، لیکن در عین حال، سرمایه اجتماعی در سطح دیگری متغیری واسطه‌ای یا میان‌گیر می‌شود و در سطح سومی به متغیری وابسته که محصول کنش و واکنش‌های متغیرهای دیگری است، بدل می‌گردد و یادآور پاره‌ای از مصراع معروف است که «هر لحظه به رنگی بُت عیار درآید». بدیهی است

1. Social Policies
2. Group Dynamic

که چنین ویژگی، سبب می‌گردد که هر محقق، چه چون نگارنده تازه از گرد راه رسیده و چه، دود چراغ خورده و استخوان شکسته، از ظن خود با سرمایه اجتماعی یار شود و طبعاً به اسرار آن نیز دست نیابد. اینجاست که کارپایه مفهومی به یاری می‌آید و می‌کوشد تا از آشفتگی مجسم شده در بالا، نظمی با معنا و روشمند فراچنگ آورد و عرضه نماید.

ناگفته نمی‌توان گذاشت و گذشت که موضوع مهم دیگر، متن یا مکانی است که سرمایه اجتماعی در آن مطرح شده یا می‌شود و مشخص است که هر متن را ویژگی‌هایی است متنوع، که ضرورتاً با متن دیگری یکسان نیست. بالاخره باید از معضلاتی یاد کرد که از مفهوم سرمایه اجتماعی برمی‌خیزد که وظیفه چارچوب مفهومی را سنگین‌تر می‌سازد. نخست آن‌که مفهوم سرمایه اجتماعی مانند بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی، سهل و ممتنع است، لیکن سرمایه اجتماعی سرآمد آنان است. زیرا این‌جا و آن‌جا به معانی مختلفی به کار می‌رود و در نتیجه به اغتشاش تعریف جان می‌بخشد. دلیل این امر به قول نان‌کی‌ول (Nankivell, 2002:VIII) آن است «که مفهوم سرمایه اجتماعی در حال پدیدآمدنی دایمی است که هنوز به فرجام خود نرسیده است... و برخی جنبه‌های آن می‌تواند آثاری منفی داشته باشد. مثلاً انسجام قدرتمند درون گروهی می‌تواند به عدم تحمل و فقدان مدارا نسبت به دیگران بیانجامد و بیگانه یا غیرستیزی را جان بخشد و بگسترده». در حال شکل‌گیری بودن و تناقض‌های درونی مفهوم سرمایه اجتماعی به ویژه تناقضاتی که بین مصداق‌های سرمایه اجتماعی وجود دارد، نشان می‌دهد که هنوز در درک سرمایه اجتماعی و پاسخ به این پرسش که بالاخره چه چیزهایی سرمایه اجتماعی را می‌سازد، مشکلاتی وجود دارد.

با توضیحات گذرای بالا جایگاه کارپایه مفهومی سرمایه اجتماعی مشخص می‌گردد و اهمیت آن معلوم می‌شود. تا بدان‌جا که می‌توان ادعا کرد که گرچه کارپایه مفهومی در تمامی پژوهش‌های روشمند و بررسی‌های علمی، حتی بررسی‌های توصیفی و کتابخانه‌ای یا آنچه تجزیه و تحلیل اطلاعات یا داده‌های دومین خواننده می‌شود، ضرورتی بی‌چون و چرا دارد، در مورد سرمایه اجتماعی - به دلایلی که آمد - این ضرورت و اهمیت، دو

چندان می‌گردد. چنانچه استدلال ارائه شده در مورد اهمیت و ضرورت کارپایه مفهومی مورد قبول افتد، باید تأکید کرد که معمولاً کارپایه یا چارچوب مفهومی با ارائه یکی از جامع‌ترین تعاریف موضوع اصلی، آغاز می‌شود. به دیگر سخن، ارائه تعریفی که برخی از وجوه پدیده موردنظر را دربرمی‌گیرد، نقطه آغازین برای معرفی چارچوب مفهومی است. برای شروع، تعریف بانک جهانی انتخاب شده است که در سه دهه اخیر سخت به مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخته است. باید به هوش بود که تعاریف سازمان‌های جهانی آن هم به ویژه با مشخصات و اهدافی که بانک جهانی دارد با محدودیت‌های خاصی روبروست. زیرا سازمان‌های جهانی از منظری عمل‌گرایانه به مفاهیم پرداخته‌اند و به ناگزیر برخی جنبه‌هایی را آن هم به عمد، عمده کرده و برخی وجوه دیگر را کمتر مورد عنایت قرار داده‌اند. اما انتخاب تعریف بانک جهانی و یا دیگر سازمان‌های جهانی با مزیتی نیز همراه است. این مزیت باز هم از هدف آن‌ها نشأت می‌گیرد. از آن‌جا که سازمان‌های جهانی، از جمله بانک جهانی در متن‌های متعدد و متفاوتی که از قضا بیشتر جهان سومی‌اند کار می‌کنند، مجبورند تعاریف خود را در سطوح مفهومی عام‌تری ارائه دهند تا میزان شمول آن‌ها افزایش یابد. بانک جهانی در سال ۱۹۹۸ چنین آورده است:

«سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای مفروض دربرگیرنده نهادها، روابط، نظرگاه‌ها و ارزش‌هایی است که بر کنش و واکنش‌های بین مردم حاکم‌اند و در توسعه اقتصادی و اجتماعی سهمی دارند. لیکن سرمایه اجتماعی جمع ساده‌نهادهایی نیست که جامعه را دربرمی‌گیرند بلکه همچنین ملاطی به شمار است که نهادهای یاد شده را به هم پیوند می‌زند. سرمایه اجتماعی در عین حال دربرگیرنده ارزش‌ها و هنجارهای مشترک لازم برای رفتار اجتماعی است که در روابط شخصی افراد، در اعتماد آنان به یکدیگر و در حس مشترک مسئولیت‌های مدنی منعکس شده است. امری که جامعه را چیزی بیشتر و فراتر از جمع افراد می‌سازد.»

خواندن تعریف ارائه شده برای هر دانش‌آموز دبستان جامعه‌شناسی قبل از هر چیز یادآور نگاه امیل دورکیم و شاگرد او موریس هالوباکس است؛ آن‌جا که معلم و شاگرد، کوشیده‌اند تا

تأکید نمایند جامعه جمع ساده مردمان یعنی آدمیانی نیست که آن را پدید آورده‌اند. گرچه افراد در کنار هم و از طریق با هم بودن جامعه را می‌سازند، لیکن پس از پدید آمدن، جامعه، خود چیزی فراتر از افراد می‌گردد و بر آنان به ویژه آنانی که نسل پس از نسل خواهند آمد، حکم خواهد راند و نقش و نشان خود را بر فردیت آنان، بر شخصیت‌شان و بر روابط بین ایشان، حک خواهد کرد. زیرا آدمیان برای آن‌که بتوانند با هم بزنند، با قانون جنگل وداع کنند و گرگ یکدیگر نباشند به قواعد، قرار و مدارها، به ارزش‌ها و هنجارها و در جوامعی خاص به قوانینی بشر ساخت نیاز دارند که پس از ساخته شدن بر ایشان تأثیری شگرف خواهد گذاشت و یا گاه به تمام، بر ایشان حاکم خواهد شد. این داد و ستد شگفت، بن مایه زندگی اجتماعی است. امری که بر تمامی متفکران حال چه کم و چه بیش، آشکار گردیده است. بیهوده نیست که مارکس هستی آدمی را محتاج بازتولیدی در چارچوب ساختار جامعه می‌داند که بر شیوه تولید استوار است و زیگموند فروید، پریشان حالی آدمی را محصول تضاد ابدی غریزه و تمدن انسان ساخت معرفی می‌کند؛ تمدنی که اندک اندک در جامعه شکل می‌گیرد، پر و بال می‌گسترده، اجزایی چه به ضرورت و چه به تضاد پیدا می‌کند تا بدان‌جا که وجود او مستقل از آدمیان ادامه می‌یابد و با کسر شدن شماری از آدمیان نقصان نمی‌گیرد و کم و یا زیاد نمی‌شود.

به هر تقدیر، وایینی و تجزیه تعریف ارائه شده، اجزای سرمایه اجتماعی را برملا می‌کند. در عین حال تعریف یاد شده نیز محل مناقشه است؛ زیرا از زیر و بالا کردن آن، نزاع برخیزد و بحث و جدلی گرم فراچنگ آید. از قضای دلکش روزگار ارتقاء فهم آدمی در باب سرمایه اجتماعی و جامعه، به طور کلی، محصول این قیل و قال و نزاع و جدل است. تعریف بانک جهانی مدعی است که سرمایه اجتماعی دربرگیرنده نهادهاست. یعنی خانواده، نهادهای رسمی و غیررسمی، نهاد اقتصاد، نهاد سیاست، نهاد فرهنگ. لیکن این‌ها ظرف‌اند. اما مطروف، کنش و واکنش‌های بین آدمیان است. سرمایه اجتماعی بدون چنین کنش و واکنش‌هایی بی‌معناست. کنش و واکنش‌ها نیز بر پایه قواعدی، بکن‌نکن‌هایی، یا متغیرهایی، ممکن می‌شود که سازنده مرزها به شمار می‌روند، یعنی

همان مفهوم ارزش‌ها. از سوی دیگر آدمیان تنها بر پایه سازوکارهای غریزی خویش، به کنش و واکنش نمی‌پردازند. بلکه آدمی به عاقل بودن متهم است و لذا به زی غریزی قانع نیست و دائماً پای از گلیم خویش فراتر می‌نهد و زیاده‌تر می‌طلبد. چنین خواستی از آن روی وجود دارد که آدمی با خویش محاسبه می‌نماید و دائماً چرتکه می‌اندازد تا فربه‌تر و بهتر به چنگ آورد. از این کار نیز دیدگاه‌ها، نظرگاه‌ها و عقاید، همی زاید. تعریف پیشتر می‌رود و از ملاطی یاد می‌کند که آدمیان را به هم پیوند می‌دهد.

این همه گفته آمد لیکن از آن گنجی بیشتر زاده شد، این همان نکته‌ای است که در آغاز مورد تأکید قرار گرفت. زیرا تعاریفی چون تعریف بانک جهانی از سرمایه اجتماعی تا زمانی که به قول عبدالرحمن جامی به وجه کلی بیان می‌شود (نگاه کنید به مایل هروی، ۱۳۷۷). چندان محل نزاع نیستند، لیکن به مجردی که از وجه کلی به مصداق‌ها فرود می‌آیند، نزاع درمی‌گیرد و چند و چون، قیل و قال و حرف و حدیث به میان می‌آید. حیطه‌های نزاع که محورهای مفهومی کردن سرمایه اجتماعی نیز به حساب می‌آیند به قرار زیر است:

- سرمایه اجتماعی معرف چیست و از چه منابعی پدید می‌آید؟ یعنی وجوه کلی آن، در دنیای زنده زندگی و به زبان کوی و بازار چه چیزهایی را دربرمی‌گیرد؟

- سرمایه اجتماعی چگونه عمل می‌کند؟ یعنی گز یا متر یا سنجه آثار سرمایه اجتماعی یعنی همان چیزهایی که با صفت تفصیلی و عالی بیان می‌شوند، بیشتر، وسیع‌تر، متعددتر، پیچیده‌تر، پایدارتر، عمیق‌تر، چه گز و متر و سنجه‌ای است؟ با چه می‌توان آن را کشید یا اندازه گرفت؟

- منابع گوناگون سرمایه اجتماعی چگونه درهم می‌آمیزند و کلی واحد پدید می‌آورند و چگونه می‌توان حداقل برای مطالعه آن را با هم ترکیب کرد؟ چنین پرسش‌هایی که ظاهراً سر باز ایستادن نیز ندارد، نگاهی به سیر تحولات مفهومی سرمایه اجتماعی را الزامی می‌سازد که در قالب بحث مفهومی شدن درپی می‌آید.

- در باب روش‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی نیز سردرگمی عجیبی وجود دارد که گاه مساله از تحقیقی به تحقیق دیگر آن هم در متن اجتماعی یکسانی متفاوت می‌شود.

سرمایه اجتماعی همچنین دارای دو بعد سازنده^۱ و زیان بار^۲ می باشد. دو بعد یاد شده ضمن آن که بر پیچیدگی مفهوم سرمایه اجتماعی افزوده است، بدان، در حالات و شرایطی ماهیتی متناقض بخشیده است که چنانچه مورد توجه قرار نگیرد به نتیجه گیری های نادرست و تعمیم های ناروا منجر می شود. این دو بعد گاه متضاد کاملاً مکان و زمان محور بودن یا به طور خلاصه، مقید و متکی بودن سرمایه اجتماعی به متن تاریخی و اکنونی یا زمان حاضر را نشان می دهد. حال به نظر می رسد که پس از طرح کلیات مربوط به سیر تطور مفهومی سرمایه اجتماعی، بهتر است با ارائه تعاریف مختلف سرمایه اجتماعی به تدریج انبان مفاهیم مطرحه در بحث از سرمایه اجتماعی معرفی شوند تا راه جهت تعریف مفاهیم و ربط دادن آنها به یکدیگر هموار گردد. جدول شماره ۱ به این مهم اختصاص دارد.

۲) تعاریف سرمایه اجتماعی

جدول ۱: تعاریف سرمایه اجتماعی، اندیشمند مطرح کننده، عناصر محوری هر تعریف

معیار تعریف (درونی، بیرونی)	ارائه کننده تعریف	تعریف سرمایه اجتماعی
درونی	کارل مارکس (Karl Marx) سرمایه، جلد اول ۱۹۸۶:۱۰۵، چاپ نخست ۱۸۸۵. (توضیح: نحوه به کارگیری سرمایه اجتماعی توسط مارکس با بحثی که امروز از سرمایه اجتماعی جریان دارد کاملاً متفاوت است لیکن به عنوان یکی از اولین کسانی که این مفهوم را مورد استفاده قرار داده است مطرح گردید.	"ارزش کل تولید سالیانه کار؛ به بیان دیگر عبارت است از ارزش تولید کل سرمایه اجتماعی" "چنانچه سرمایه اجتماعی، انقلابی در ارزش را تجربه کند، محتمل است که سرمایه فردی سرمایه دار، در مقابل انقلاب یاد شده سر فرود آورده، تسلیم آن شود و سقوط کند، زیرا سرمایه پیش گفته قادر نیست خود را با شرایط چنان جنبش و تکانی منطبق سازد."

1. Productive
2. Perverse

ادامه جدول ۱

من در استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی به آنچه که در منابع معمولاً از سرمایه مراد می شود نظر ندارم و آن را صرفاً تمثیلی یا استعاری به کار می برم. منظورم ملک و دارایی شخصی یا پول نقد نیست، بلکه منظور من آن چیزی است که این اشیاء و مادیات ملموس را در زندگی روزمره اکثریت مردم با معنا و ارزشمند می سازد؛ یعنی کار خیر، دوستی، دلسوزی متقابل و رابطه اجتماعی گروهی از افراد و خانواده ها که پدیدآورنده واحدی اجتماعی یا اجتماعی روستایی می باشند که مرکزیت منطقی آن مدرسه به شمار می رود. در ساختن اجتماعی محلی به سان سازمان کسب و کار و یا توسعه آن، قبل از آن که فعالیت سازنده انجام گیرد، انباشت سرمایه لازم است.	هاننی فن (Hani fan)، ۱۹۱۶	درونی
شبکه های شهری، سرمایه اجتماعی بدون جایگزین شهر است. هرگاه سرمایه ای از کف پرود حال به هر دلیلی، در آمد حاصل از وجود آن سرمایه نیز محو می گردد و هرگز بازگشتی ندارد مگر آن که سرمایه جدیدی به تانی و یا تصادفی دوباره انباشته شود.	جین جاکوب (J-Jacobs)، ۱۹۶۱	درونی
"سرمایه اجتماعی منابعی است که در لطف و محبت دوستان و آشنایان به یکدیگر منعکس می شود. این لطف و محبت می تواند به شکل کمک و یاری برای فقرزدایی ارائه گردد".	هانرز (Hannerz)، ۱۹۶۹	بیرونی
لوری با اشاره به تضاد شایسته سالاری یا مشاهدات اش از جامعه سرمایه دار، نتیجه می گیرد که سرمایه اجتماعی کمک افراد به یکدیگر به شکل منابعی است که در اختیار یکدیگر قرار می دهند و لذا زمینه تبعیض نسبت به دیگران را فراهم می آورند. جمله معروف او چنین است که "در مسیر، ترقی هیچ کس به تنهایی سفر نمی کند".	لوری (Loury)، ۱۹۷۷	بیرونی
"بدیهی است که برای کارایی هر نظام اقتصادی بسیار مهم است که افراد از قواعد و قوانین حتی آن قواعد و قوانینی که	شلیخت (Schiht)، ۱۹۸۴	بیرونی

ادامه جدول ۱

چندان اجراء نمی شود نیز اطاعت کنند زیرا اطاعت مردم از قوانین هزینه ها را کنترل می کند و تمایل آنان به این امر که حتی نزد خودشان شهروندانی قانون گرا به حساب آین، را افزایش می دهد. چنین امری ثروت اقتصادی مهمی است که می تواند نوعی سرمایه اجتماعی به حساب آید». او با اشاره به نظرات ون وایزساکر (Van Weizsacker) از سرمایه سازمانی نیز یاد کرده، مفهوم "سرمایه اخلاقی را نیز به کار برده است.		
"در مطالعه ما سرمایه اجتماعی مقوله ای است که در طبقات بالا شکل می گیرد و بر زندگی شغلی مدیران شرکت های سهامی به هنگامی که ویژگی های تحصیلی و شایستگی های یکسانی دارند، اثری مثبت می گذارد".	اوسیم و کارابل Karabel & Useem ، ۱۹۸۶	بیرونی
"مجموع منابع بالفعل و بالقوه که به داشتن شبکه پایداری از روابط متقابل کم و بیش نهادینه شده ناشی از آشنایی، مورد پذیرش قرار گرفتن و شناخته شده بودن، متصل و مربوط است".	بورديو، (Bourdieu)، ۱۹۸۶: ۲۴۸	بیرونی
"سرمایه اجتماعی از تعهدات و وظایف و مسئولیت های اجتماعی (پیوندها و روابط اجتماعی) تشکیل می شود که تحت شرایطی خاص قابل تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی می باشد و ممکن است در قالب عنوان، منزلت، نسب و حسب اجتماعی [مانند نجیب زاده بودن و اشراف بودن] نهادینه گردد.	بورديو، ۱۹۸۶: ۲۴۳	بیرونی / درونی
"سرمایه اجتماعی منبعی است که کنش گر از ساختارهای اجتماعی خاص، آن را به کف می آورد و پس از به کف آوردن، آن را برای رسیدن به علایق و منافع خود به کار می برد. این منبع از طریق دگرگونی در روابط متقابل کنش گران به دست می آید"	بیکر (Baker) ، ۱۹۹۰: ۶۱۹	بیرونی
"سرمایه اجتماعی از طریق کارکردش تعریف می شود و مقوله ای واحد نیست، بلکه متشکل از مقوله های متعددی است که دو ویژگی مشترک دارند: تمامی شان از جنبه ای از ساختار	کوله من (Coleman) ، ۱۹۹۰: ۳۰۲	بیرونی

اجتماعی تشکیل شده‌اند و همچنین تمامی آن‌ها برخی از کنش‌های افراد درون ساختار اجتماعی را تسهیل می‌نمایند.		
"سرمایه اجتماعی بر تعداد افرادی اشاره دارد که از آنان انتظار حمایت کردن وجود دارد و همچنین دربرگیرنده منابعی است که آن افراد در اختیار دارند."	باکس من، د گرای و فلپ، Boxman; De Graai & Flap ۵۳:۱۹۹۱	بیرونی
مجموع منابع بالفعل و بالقوه‌ای که نصیب فرد یا گروه آن‌هم به علت داشتن شبکه‌ای پایدار از روابط اجتماعی کم و بیش نهادینه شده، می‌گردد و نشأت گرفته از آشنایی دو سویه، معروف بودن و پذیرفته شدن است."	بوردیو و واکوانست، (Bourdieu & Wacquant)، ۱۹:۱۹۹۲	بیرونی / درونی
"سرمایه اجتماعی متشکل از دوستان، همکاران و تماس‌ها و ارتباطات عمومی‌تری است که از طریق آنان هر فرد فرصت‌هایی برای استفاده از سرمایه مالی و انسانی خود را به کف می‌آورد."	بورت، (Burt)، ۹:۱۹۹۲	بیرونی
"سرمایه اجتماعی گویای روابط اجتماعی متقابل است که به طور طبیعی بین افراد شکل می‌گیرد و به کف آوردن مهارت‌ها و ویژگی‌هایی که در بازارگاه صاحب ارزش‌اند را ترویج و یا یاری می‌رساند... (لذا سرمایه اجتماعی) دارایی است که گاه چون میراث مالی برای حفظ نابرابری در جامعه، واجد اهمیت محسوب می‌شوند."	لوری (Loury)، ۱۰۰:۱۹۹۲	درونی / بیرونی
"سرمایه اجتماعی مجموعه عناصری از ساختار اجتماعی است که بر روابط بین مردم اثر می‌گذارد و داده‌ها و مدارک مرتبط با تولید و یا کارکردی منفعت بنیادند."	شیف (Schiff)، ۱۶۰:۱۹۹۲	درونی / بیرونی
"سرمایه اجتماعی، چشم‌داشت‌های محورکنش در درون مجموعه‌ای اجتماعی است که بر اهداف اقتصادی و تضادهایی که از افراد آن جمع در جهت رسیدن به اهدافی سرمی‌زند، اثر می‌گذارد، حتی زمانی که انتظارات یاد شده در عرصه اقتصادی مطرح نمی‌شوند."	پورتس-سن سن برنر (Portes)، ۱۳۲۳:۱۹۹۳ (Sensenberrner)	درونی
"سرمایه اجتماعی، خصایص یا مشخصات سازمان	پوتنام (Putnam)، ۶۷:۱۹۹۵	درونی

ادامه جدول ۱

اجتماعی - یعنی مواردی چون شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی - را دربرمی‌گیرد که همکاری متقابل و هماهنگی در جهت منافع مشترک را تسهیل می‌کنند.		
"سرمایه اجتماعی منعکس‌کننده توان افراد برای کارکردن با هم در جهت اهداف مشترک در گروه‌ها و سازمان‌هاست."	فوکویاما (Fukuyama)، ۱۰:۱۹۹۵	درونی
"سرمایه اجتماعی شبکه شخصی هر فرد و عضویت و عضویت‌های نهادی نخبگان است."	بلی وو، اوریلی، وید (Belliveau); ۱۵۷۲:۱۹۹۶ (Wade O;Reilly،	بیرونی
"سرمایه اجتماعی آن ابزار، امکانات و فرایندهایی است که در دل جامعه مدنی تکامل یافته و پیشرفت و توسعه را برای کلی جمعی ترویج می‌نماید."	توماس (Thomas)، ۱۱:۱۹۹۶	درونی
"سرمایه اجتماعی فرهنگ اعتماد و مداراست که در درون آن شبکه‌های گسترده انجمن‌های داوطلبانه پدید می‌آید."	اینگل هارت (Inglehart)، ۱۸۸:۱۹۹۷	درونی
"به سادگی، سرمایه اجتماعی را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها یا هنجارهای غیررسمی تعریف کرد که اعضای یک گروه مشترکاً بدان‌ها باور دارند و همکاری بین آنان را مجاز می‌سازد."	فوکویاما (Fukuyama)، ۱۹۹۷	درونی
"رشته روابط متقابل اجتماعی که بر رفتار فرد اثر گذارده و بدان طریق بر رشد اقتصاد موثر واقع می‌شود."	پنار (Pennar)، ۱۵۴:۱۹۹۷	درونی/بیرونی
"سرمایه اجتماعی رشته روابط متقابل همکارانه بین شهروندانی است که حل مشکلات عمل جمعی را تسهیل می‌کند."	برهم و راهمن (Rahn، Brehm)، ۹۹۹:۱۹۹۷	درونی
"سرمایه اجتماعی فرصت‌های در یک شبکه است."	بورت (Burt)، ۳۵۵:۱۹۹۷	درونی
"جمع منابع بالفعل و بالقوه، در دسترس افراد ناشی شده از شبکه روابط متقابل متعلق به فرد یا واحدی اجتماعی. در نتیجه، سرمایه اجتماعی هم شامل شبکه و هم شامل دارایی‌هایی است که احتمال بسیج شدن آن از طریق آن شبکه وجود دارد."	نهاییت و گوشال، (Nahapiet & Ghoshal)، ۲۴۳:۱۹۹۸	درونی/بیرونی
"سرمایه اجتماعی توانایی کنش‌گران در تضمین منافع صرفاً	پورتس (Ports)، ۶:۱۹۹۸	بیرونی

ادامه جدول ۱

به علت عضویت آنان در شبکه‌های اجتماعی یا سایر ساختارهای اجتماعی است.		
"سرمایه اجتماعی شامل اطلاعات، اعتماد و هنجارهای دو سویه ذاتی شبکه‌های اجتماعی هر فرد است."	وول کاک (Wookock)، ۱۵۳:۱۹۹۸	درونی/بیرونی
"سرمایه اجتماعی فرایندی است که کنش‌گران اجتماعی طی آن فرایند شبکه ارتباطات درون و بین سازمان‌ها را برای دستیابی به منابع سایر کنش‌گران اجتماعی خلق و بسج می‌نمایند."	نوک (Knoke)، ۱۸:۱۹۹۹	درونی
"سرمایه اجتماعی عبارت است از هنجارها و شبکه‌هایی که به مردم برای کنش جمعی یاری می‌رساند." "مهم آن نیست که چه می‌دانی، مهم آن است که چه کسی را می‌شناسی."	وول کاک و نارایان (Woolcock & Narayan)، ۲۲۵:۲۰۰۰	درونی
"سرمایه اجتماعی" مانند سرمایه طبیعی واژه‌ای است که از سوی اقتصاددانان بورژوا برای اشاره به عوامل برونی که به سرمایه داده‌هایی می‌افزاید یا به‌وسیله ستانده‌هایی از آن می‌کاهد و قادر به از بین رفتن توسط سرمایه و یا گنجاندن در درون سرمایه است، به کار می‌رود."	دایره المعارف MIA، ۱۴۹:۲۰۰۱	درونی/بیرونی
"سرمایه اجتماعی ایده‌ای است که اکنون در ایالات متحده و در اروپا گرچه به معانی و نتایج و آثار گوناگون، اما به گستردگی تمام مورد بحث قرار می‌گیرد و به کار می‌رود. در سنت ایالات متحده، سرمایه اجتماعی بر پایه انجام اجتماعی، اجتماع محلی‌گرایی و مشارکت مردم‌سالارانه محلی شکل می‌گیرد و متکی به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه مدنی است. اما سرمایه اجتماعی در نگاه اروپایی بیشتر نهاد محور است که بر روابط درون خانواده و سرمایه اجتماعی ناشی از آن و حقوق و مسوولیت‌های فرد در درون سازمان‌های اجتماعی تاکید می‌کند."	ویسنته ناوارو (Vicente Navarro)، ۴۲۳:۲۰۰۲	درونی/بیرونی
"اقتصاددانان غالباً به ملاطی که جامعه را به هم می‌پیوندد سرمایه اجتماعی گویند."	ژوزف استیگلیتز (Joseph Stiglitz)، ۱۶۱:۲۰۰۲	درونی

ادامه جدول ۱

<p>"به بیان کلی، سرمایه اجتماعی به ارزش‌ها و هنجارهایی مربوط است که از پیوندها و روابط متقابل گروهی و اجتماعی تفاهم شده مردم نشأت گرفته و به نوبه خود پدیدآورنده آن پیوندها و روابط نیز محسوب می‌شوند."</p>	<p>روزالیندا ادواردز، (Rosalind Edwards) ۸۱:۲۰۰۴</p>	<p>درونی</p>
<p>"سرمایه اجتماعی با در اختیار قرار دادن دانش مفید در مورد فرصت‌های موجود، آن هم از طریق شبکه پیوندها، کنش‌های افراد درون ساختار اجتماعی را تسهیل می‌کند."</p>	<p>چای یووا و دیگران، (Chay yue et.al, wah) ۱:۲۰۰۵</p>	<p>درونی</p>
<p>"سرمایه اجتماعی موضوعی مربوط به سازمان اجتماعی است و منبع بالقوه ارزش محسوب می‌شود که می‌توان آن را برای اهداف راهبردی و منفعت محور مهار کرد و تبدیل نمود."</p>	<p>موریل مینات، (Murielle Mignot) ۱:۲۰۰۵</p>	<p>درونی / بیرونی</p>

۳) مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی

در جدول شماره ۱ سی‌وهفت تعریف از سرمایه اجتماعی ارائه شده است که تنها کاربرد کارل مارکس به معنایی که امروز از سرمایه اجتماعی مراد می‌شود، مستقیماً مربوط نیست. سایر تعاریف علی‌رغم تفاوت و تنوع مفهومی، مهم‌ترین مفاهیم به کار رفته برای القاء معانی سرمایه اجتماعی را معرفی می‌نمایند. بدیهی است تنوع یادشده در عین حال اغتشاش مفهومی موجود در بحث از سرمایه اجتماعی که مورد اشاره قرار گرفت را نیز می‌رسانند. بررسی تعاریف ارائه شده گویای این حقیقت است که سرمایه اجتماعی به مهم‌ترین پرسش علوم اجتماعی می‌پردازد، پرسشی که همواره ذهن متفکران را به خود مشغول داشته است. چنین دل‌مشغولی را سال‌ها پیش از پیدایش علوم اجتماعی به نحوی که پس از عصر روشنگری و در قالب پارادایم مدرنیته تدوین یا فورموله شده است، می‌توان ردیابی کرد.

به هر تقدیر سرمایه اجتماعی پاسخی فراگیر به این پرسش قدیمی است که در علوم اجتماعی جدید یا امروزی نیز محوری بودن خود را حفظ کرده است. از چه روی آدمیان گرد هم می‌آیند و علی‌رغم منافع متضاد، در سطحی وسیع‌تر منافع مشترک پیدا می‌کنند و انواع گروه‌بندی جمعی را شکل می‌دهند و برای حفظ آن به جان می‌کوشند؟ به دیگر سخن «چه چیزی جوامع را سرپا

نگاه می‌دارد و آدمیان را به کنش و واکنش آن هم برای فضیلت‌ها یا خیر عمومی و جمعی سوق می‌دهد؟» (نگاه کنید به Ostrom, 1994; Levi, 1996; Welzel, et al. 2005). غوری در تعاریف ارائه شده نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها چه مستقیم و با وضوح و چه غیرمستقیم و ضمنی به چنین پرسشی نظر دارند. مفاهیمی چون روابط متقابل یا کنش و واکنش، کنش‌گری و کنش جمعی که بیشترین فراوانی در بین مفاهیم به کار رفته در تعاریف را به خود اختصاص داده‌اند (با ۲۱ بار تکرار در تعاریف) و مفهوم شبکه پیوند اجتماعی (با ۱۷ بار تکرار در تعاریف)، اهمیت پرسش یاد شده را می‌رسانند. بسیاری از مفاهیم دیگری که مورد استفاده قرار گرفته‌اند نیز بر این موضوع و اهمیت آن گواهاوند. در جدول شماره ۲ مفاهیم به کار رفته در تعاریف، به همراه واحد اجتماعی محوری هر تعریف و هدف آن ارائه می‌شود تا ادعای بالا مستندتر پی‌گیری شود و سنگ‌بنای مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی معرفی گردد.

جدول ۲: مفاهیم محوری مندرج در تعاریف سرمایه اجتماعی

نام ارائه‌کننده تعریف و زمان ارائه	مفاهیم محوری مندرج در تعاریف	واحد: فردی - جمعی	هدف
هانی فن (۱۹۱۶)	نیت و قصد خیر، دوستی، علاقمندی و جذبۀ دوسویه، روابط اجتماعی، احترام متقابل، تیمارگری	فرد، خانواده، گروه	ساختن اجتماعی محلی (کامیونیتی)
جین جاکوب (۱۹۶۱)	شبکه‌های اجتماعی منعکس در همسایگی و همسایه بودن	گروه، شهر	نهادسازی، شبکه‌سازی
هارنرز (۱۹۶۹)	مبادله، حمایت، روابط متقابل، دوسویگی	گروه، نهاد، همسایگی	نهادسازی
لوری (۱۹۷۷)	فرصت، متن، خلق سرمایه انسانی، تبعیض، نابرابری	گروه، طبقه اجتماعی، سیستم ساختار	نابرابری

ادامه جدول ۲

نهادسازی	گروه، شهروندسازی	کنترل اجتماعی، ارزش‌ها، کارایی، هزینه، فایده، شهروندی، قانون و قانون‌گرایی	شلیخت (۱۹۸۴)
منافع طبقاتی	طبقه، فرد	طبقه بالای اجتماعی، نابرابری، تبعیض، نابرابری	اوسیم و کارابل (۱۹۸۶)
نهادسازی، شبکه‌سازی	فرد، گروه، نهاد	شبکه اجتماعی، عضویت، اجتماعی شدن در درون خانواده، تعلیم و تربیت، دوسویگی، منابع، روابط، دسترسی	بورديو (۱۹۸۶)
شبکه، ایجاد فرصت	متن، گروه، فرد	نتیجه، فرصت، سازندگی، خیر عمومی، سازمان داوطلبانه، ساختار اجتماعی، دوسویگی	کوله من (۱۹۹۰)
نهادسازی، شبکه‌سازی	فرد، گروه	روابط متقابل، شبکه، کنش‌گر	بورت (۱۹۹۰)
منافع گروهی، فردی	فرد، گروه	کنش‌گر، ساختار اجتماعی، منافع فردی و جمعی، روابط متقابل، منابع	بیکر (۱۹۹۰)
منافع فردی، گروهی	فرد، گروه	حمایت، منابع	باکس من و دیگران (۱۹۹۱)
منافع فردی، گروهی	فرد، گروه	منابع بالقوه و بالفعل، شبکه اجتماعی، آشنایی، پذیرفته شدن	بورديو و وکانت (۱۹۹۲)
منافع فردی، گروهی	فرد، گروه	دوستان، همکاران، ارتباطات اجتماعی، آشنایان، فرصت سرمایه مالی، سرمایه انسانی	بورت (۱۹۹۲)

ادامه جدول ۲

نابرابری، منافع فردی	فرد، گروه	روابط اجتماعی، دستیابی به حمایت، بازارگاه، دارایی نابرابری	لوری (۱۹۹۲)
منافع فردی، گروهی	فرد، گروه	عناصر ساختار اجتماعی، روابط اجتماعی، داده‌های تولیدی، کارکرد منفعت فرد	شیف (۱۹۹۲)
منافع فردی	فرد، گروه	چشم‌داشت‌های اجتماعی، عمل جمعی، اهداف اقتصادی، رفتار هدفمند	پورتس و سن سن برنر (۱۹۹۳)
منافع فردی، گروهی	فرد، گروه	ویژگی سازمان اجتماعی، شبکه اجتماعی	پوتنام (۱۹۹۵)
منافع فردی، گروهی، منافع سازمانی	فرد، گروه، سازمان	کار گروهی، اهداف مشترک (دوسویگی) گروه، سازمان	فوکویاما (۱۹۹۵)
منافع فردی	فرد، گروه	کار داوطلبانه، فرایندهای اجتماعی، جامعه مدنی، نفع جمعی، توسعه	توماس (۱۹۹۶)
منافع فردی	فرد، نهاد	شبکه خصوصی فرد، عضویت نهادی	بلی وو و دیگران (۱۹۹۶)
منافع فردی	فرد	فرصت‌ها، شبکه، دلالتی	پورت (۱۹۹۷)
همکاری فردی و گروهی	فرد، گروه	ارزش‌ها و هنجارهای غیررسمی مشترک بین اعضای گروه، تعاون و همکاری	فوکویاما (۱۹۹۷)
منافع گروهی	فرد، گروه	فرهنگ اعتماد و مدارا، شبکه انجمن‌های داوطلبانه، توسعه نفع جمعی	اینگلههارت (۱۹۹۷)

ادامه جدول ۲

منافع گروهی، شهروندی	گروه	روابط متقابل اجتماعی، رفتار فردی، رشد اقتصادی	برهم راهن (۱۹۹۷)
منافع گروهی	فرد، گروه	رشته روابط متقابل اجتماعی، رفتار فردی، رشد اقتصادی	پنار (۱۹۹۷)
منافع فردی	فرد، گروه	کنش گران، تضمین منافع، عضویت، شبکه‌های اجتماعی	پورتس (۱۹۹۸)
منافع فردی، گروهی	فرد، گروه	منافع بالقوه و بالفعل، روابط متقابل اجتماعی، واحد اجتماعی شبکه، دارایی، بسیج منابع	نهایت و گوشال (۱۹۹۸)
منافع فردی و گروهی	فرد، گروه	اطلاعات، اعتماد، هنجارهای دوسوییگی، شبکه‌های اجتماعی	وولکاک (۱۹۹۸)
منافع گروهی	گروه، اجتماع	اطلاعات نفوذ، کنترل و همبستگی	کوله من (۱۹۹۸)
منافع گروهی	گروه، اجتماع	فرآیند، کنش گران اجتماعی، پیوندهای شبکه‌ای، سازمان‌ها منابع سایر افراد، دسترسی	کنوک (۱۹۹۹)
منافع جمعی	ساختار اجتماعی	هنجارها، شبکه‌ها، عمل جمعی	وولکاک و نارایان (۲۰۰۰)
منافع جمعی	گروه، ساختار	پیوندهای افراد، شبکه‌های اجتماعی، ارزش‌ها دوسویه، قابلیت	پونتام (۲۰۰۰)
منافع فردی، گروهی	فرد و گروه	کنش متقابل افراد با هم	دکرواسلندر (۲۰۰۱)
منافع فردی، گروهی	فرد و گروه	نیت خیر، ساختار روابط اجتماعی، محتوای روابط اجتماعی، اطلاعات و نفوذ	آدلرو کوون (۲۰۰۲)

ادامه جدول ۲

منافع فردی، گروهی	فرد و گروه	انسجام اجتماعی، اجتماع محلی، مشارکت، جامعه مدنی، نهادهای اجتماعی، روابط خانوادگی، حقوق و مسئولیت فرد	ناوارا (۲۰۰۲)
منافع جمعی	ساختار اجتماعی	ملاط پیوندهنده اجتماع	استیگلیر (۲۰۰۲)
منافع جمعی	ساختار اجتماعی	ارزش‌ها و هنجارها، پیوند و روابط اجتماعی، شبکه اجتماعی	ادواردز (۲۰۰۴)
منافع فردی و جمعی	فرد و جمع	مبادله اطلاعات، فرصت‌های اجتماعی، شبکه اجتماعی، کنش‌های اجتماعی	چای یووا و دیگران (۲۰۰۵)
منافع فردی، گروهی	فرد و جمع	سازمان اجتماعی، ارزش، منفعت	مینات (۲۰۰۵)
منافع جمعی	ساختار اجتماعی	هنجارها، اعتماد متقابل، شبکه‌های اجتماعی	شیلاکندی (۲۰۰۵)
منافع جمعی	شبکه و روابط اجتماعی	شبکه‌های اجتماع محلی و ساختار روابط اجتماعی	مور (۲۰۰۵)

چنانچه در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، هفتادویک مفهوم مرتبط با موضوع بدون توجه به ارتباط معنایی و یا سنخیت بین آنها در تعاریف مطرح شده به کار رفته است. چنانچه مفاهیم به کار رفته براساس هدف مقاله حاضر، یعنی کارپایه مفهومی و مفهوم‌سازی* طبقه‌بندی مجدد شوند، موارد زیر به کف می‌آید که نشان‌دهنده خطوط کلی مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی است:

* باید توجه داشت که برخی از مفاهیم بنا به ماهیت می‌توانند در دو طبقه یا بیشتر قرار گیرند.

- قالب یا چارچوبی که سرمایه اجتماعی به عنوان فرآیندی اجتماعی در درون آن‌ها موضوعیت می‌یابد.
(ساختار اجتماعی، شبکه و شبکه‌های اجتماعی، سازمان اجتماعی، نهادها و سازمان‌ها داوطلبانه، اجتماع محلی، جامعه مدنی، طبقه اجتماعی، خانواده، واحد همسایگی، بازار)
 - مقوله‌هایی که به سرمایه اجتماعی مانند هر پدیده اجتماعی دیگر نظم می‌دهند و آن را قاعده‌مند می‌کنند؛ به بیان دیگر مقوله‌های نظم‌بخش.
(ارزش‌ها، هنجارهای غیررسمی، قانون، کنترل اجتماعی، چشم‌داشت‌های اجتماعی)
 - محمل‌های مشخص بالقوه حاوی سرمایه اجتماعی
(دوستی، همسایه بودن، آشنایان، آشنایی، همکاران، عضویت، شهروندی و شهروندان، جذب و جذب دوسویه، نفوذ، علاقه‌مندی، سرمایه طبیعی یا فیزیکی، سرمایه مالی - اقتصادی، سرمایه انسانی، دارایی، احترام و احترام متقابل، حمایت و حمایت متقابل)
 - پیش شرط‌های ضروری برای وقوع سرمایه اجتماعی
(روابط یا کنش‌های اجتماعی، مبادله اجتماعی، بده و بستان اقتصادی، نیت و قصد خیر، روابط رفت و برگشتی یا دوسویگی، همبستگی و مشارکت، عامل یا کنش‌گر، اعتماد و فرهنگ اعتماد، مدارا، منابع فرصت، دسترسی)
 - نتایج و آثار سرمایه اجتماعی
(کارآیی، مبادله منافع و نفع‌بری، تیمارگری، فایده و نفع جمعی، اطلاعات و مبادله اطلاعات، توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی، اعتماد، حل مشکلات، افزایش همبستگی و انسجام اجتماعی، افزایش علاقه و پیوند میان فردی، رشد اقتصادی، تضمین منافع)
 - موانع و زیان‌های سرمایه اجتماعی
(تبعیض و نابرابری، هزینه و هزینه اجتماعی)
- همچنین در جدول شماره ۱ که حاصل مرور نسبتاً جامع منابع گوناگون است، تعاریف سرمایه اجتماعی در محدوده‌های هفتادساله مرور شده‌اند، نگاهی گذرا به تعاریف نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی به‌طور عام به هنجارهای اعتماد و دوسویگی یا روابطی با رفت

و برگشت اشاره دارد که معمولاً در درون شبکه‌های اجتماعی رخ می‌دهد و به نتایجی عمدتاً مثبت و در مواردی منفی منجر می‌گردد. هدف روابط یاد شده استفاده از منابعی است که افراد به دلایل گوناگون از جمله ویژگی‌های فردی چون جنس، سن، تحصیلات، پایگاه و منزلت اجتماعی و نظایر آن طی زمان انباشته‌اند. منابع یاد شده تنها با تصور انباشت مثبت منابع و سهم شدن در منابع اعضای گروه‌بندی‌های متنوع اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. سرمایه اجتماعی فی‌نفسه، آثار و نتایج حاصل از آن و اشکال متعدد استفاده آن، عموماً مقید به زمان و مکان بوده با ویژگی‌های ساختار جامعه و عناصر و اجزاء آن رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. به‌علاوه، همان‌گونه که اشاره شد، سرمایه اجتماعی گرچه عمده بحثی آکادمیک یا مدرسه‌ای به شمار می‌رود، لیکن در دو دهه گذشته مرزهای بحث‌های مدرسه‌ای را درنوردیده به موضوعی عامه‌پسند نیز بدل گشته است. بدیهی است که چنین کاربردی در کنار منافع حاصل از آن و غنا و عمقی که به کف آورده است، به اغتشاش مفهومی و عملیاتی مورد اشاره، گستردگی ویژه‌ای بخشیده است.

بررسی منابع و متون نیز نتیجه‌ای که قبلاً مورد بحث قرار گرفت را تأیید می‌کند، بدین معنا که به هنگام استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی باید به سه موضوع محوری توجهی ویژه نشان داد. این سه موضوع عبارتند از: الف) جوهر یا اصل ذاتی سرمایه اجتماعی؛ ب) منابع سرمایه اجتماعی و ج) نتایج، آثار یا مصداق‌های سرمایه اجتماعی. لیندون جی رابی‌سان، ال جی شمید و ام‌ئی سی‌لس (Robinson, Schmid & Siles, 1995) در مقاله راهگشای خود تحت عنوان «آیا واقعاً سرمایه اجتماعی نوعی سرمایه است؟» به اهمیت تمایز بین این سه مفهوم محوری، اشاره کرده‌اند. بعدها متفکران گوناگونی از جمله پل‌اس آدلر و سئوک وو کوون در مقاله «سرمایه اجتماعی: چشم‌اندازهایی برای مفهومی جدید»، اهمیت تمایز یاد شده را بارها مورد تأکید قرار داده‌اند. جوهر سرمایه اجتماعی یا آنچه که سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورد، منابع انباشت شده متعلق به افراد در مجموعه‌های بسیار متنوع اجتماعی است. اساساً وجود چنین منابعی کاربرد سرمایه در مفهوم مبادله است. اتفاقاً کاربرد سرمایه در مفهوم سرمایه اجتماعی در بین متفکران گوناگون زمینه‌ساز بحث و

جدلی گاه آتشین و دلکش شده است. به بیان دیگر چه نقاط مشترکی بین مفهوم متداول سرمایه و کاربرد آن در سرمایه اجتماعی وجود دارد؟ همان‌گونه که اشاره شد، متفکران بسیاری کوشیده‌اند تا به چنین پرسش‌هایی پاسخی در خور ارائه کنند. از جمله متفکران یاد شده آدلر و کوون (۱۹۹۸) می‌باشند که بر پایه تحلیل کوله من به پرسش‌های بالا پاسخی جالب داده‌اند. دو متفکر مورد اشاره چهار وجه تشابه بین مفهوم سرمایه اجتماعی و معنای عام و قدیمی سرمایه یا به‌طور کلی با سایر انواع سرمایه، یافته‌اند. به نظر آنان «نخست آن‌که، سرمایه اجتماعی منبعی است که بر اساس آن می‌توان بر روی منابع دیگر، سرمایه‌گذاری کرد، امید بازگشت سرمایه بیشتری را هم داشت و البته نه به‌طورحتم و با یقین کامل.

دوم آن‌که سرمایه اجتماعی تصاحب‌شدنی و تا حدودی تبدیل‌پذیر است. تصاحب‌شدنی بدان معناست که همان سرمایه اجتماعی سرمایه‌گذاری شده را می‌توان برای سایر کاربردها مورد استفاده قرار داد. مثلاً رفیق شفیق درست پیمانی که کاری برای دوست خود پیدا کرده است، در زمان بحران خانوادگی نیز می‌توان سنگ صبور دوست خود محسوب شود. قابل تبدیل نیز به معنای مبادله سرمایه اجتماعی با سایر انواع سرمایه است. البته مورد اخیر به سادگی سایر موارد نیست. از بین تمامی انواع سرمایه که پیر بردیو برشمرده است، سرمایه اقتصادی نقدتر است، زیرا سرمایه اقتصادی را به راحتی می‌توان به سرمایه انسانی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی تبدیل کرد. در مقام مقایسه نرخ قابلیت تبدیل سرمایه اجتماعی به سایر انواع سرمایه کمتر است. سرمایه اجتماعی کمتر حالت نقدی داشته، کمتر سیال است.

سومین شباهت آن است که سرمایه اجتماعی برعکس سرمایه مالی و دقیقاً مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی، برای آن‌که قدرت تولیدی خود را حفظ کند نیازمند نگهداری یا تیمار کردن است. روابط بین آدمیان چنان‌چه برای مدتی قطع شود و دیداری دست ندهد به فرسوده شدن و از میان رفتن میل می‌کند [که گفته‌اند: از دل برود هر آنکه از دیده برفت]. البته باید توجه داشت که برعکس سرمایه انسانی، شخص به تنهایی نمی‌تواند از ثمرات

سرمایه اجتماعی استفاده کند و حتماً نیازمند مشارکت طرف‌های متعددی است [به بیان دیگر، استفاده از آن مشروط به حضور دیگران و عضویت فرد در شبکه اجتماعی است].

چهارم، سرمایه اجتماعی مانند سرمایه انسانی و برعکس سرمایه فیزیکی، فاقد نرخ استهلاک قابل پیش‌بینی است. برای مثال هر چه اتومبیلی کارکرد بیشتری دارد، قیمت پایین‌تری نیز خواهد داشت. اما برعکس روابط متقابل افراد با استفاده بیشتر، مستهلک نمی‌شود [به قولی، دوست کهنه ارزشمندتر است]. البته هیچ شیوه متداولی وجود ندارد که توسط آن بتوان پیش‌بینی کرد که رابطه افراد در طول زمان چگونه دگرگون می‌شود.

انگستروم پس از نقل چهار مساله‌ای که از سرمایه بودن سرمایه اجتماعی دفاع می‌کند به نکته‌ای ارزنده اشاره دارد که جوهر سرمایه اجتماعی، به‌عنوان منبعی با ارزش و تولیدکننده ارزش را به وضوح نشان می‌دهد. به نظر او «آنچه که سرمایه اجتماعی را از سایر انواع سرمایه متمایز می‌سازد و تمایزی بنیادین به حساب می‌آید آن است که سرمایه اجتماعی در خود کنش‌گران مستقر نیست و در فردیت آنان شکل نمی‌گیرد بلکه جایگاه آن در رابطه کنش‌گران با سایرین با معنا می‌شود. لذا سرمایه اجتماعی به زبان اقتصاد، کالایی عمومی است. سرمایه اجتماعی ملک شخصی افرادی که از آن سود می‌برند به حساب نمی‌آید، زیرا به خیرخواهی، نوع‌پرستی و عطف و کرامت سایرین بستگی دارد» (Engestrom, 2001:9). به قول بروت «هیچ کنش‌گر یا بازیگری به تنهایی حق مالکیت سرمایه اجتماعی را دارا نیست. چنانچه طرف شما در رابطه‌ای متقابل به رابطه پایان دهد، تماس و رابطه فرو می‌پاشد و هر آن چه سرمایه اجتماعی در رابطه وجود دارد نیز از میان می‌رود (Burt, 1992). البته چنین واقعیتی آنچنان تلخ است که بدان "تراژدی عوام" نام داده‌اند. تراژدی‌ای که گویای توان فردی عادی آن هم به تنهایی در نابود کردن سرمایه یا منبعی بسیار مهم است که برای شکل گرفتن آن، همکاری و تعهد رفت و برگشتی یا دوسویه‌ای، لازم است.

آدلر و کوون جوهر سرمایه اجتماعی را نیت خیر، حسن نیت یا نیک‌خواهی^۱ معرفی

1. Goodwill

کرده‌اند. این دو متفکر در تلاشی برای ارائه کارپایه مفهومی که جریان‌های اصلی در بحث در باب سرمایه اجتماعی را با هم ادغام نماید، دیدگاه جدیدی ارائه کرده‌اند. به نظر آنان «نیک‌خواهی و حسن نیت دیگران در مورد ما منبعی ارزشمند است. منظور ما از حسن نیت یا نیک‌خواهی عبارت است از سمپاتی (همدردی، جاذبه، غمخواری، همسوی‌گی)، اعتماد و گذشت و عفو که دوستان و آشنایان به ما ارزانی می‌دارند... چنانچه حسن نیت جوهر سرمایه اجتماعی باشد، آثار آن یعنی دسترسی به اطلاعات، نفوذ و همبستگی طبعاً با هزینه و خطر کردن (ریسک) نیز همراه است و آثار مستقیم آشنایی و دوستی به نوبه خود به آثار متنوع دیگری جان می‌بخشد. برای هر کنش‌گر مفروضی هر اثر از میان آن آثار متعدد، ارزشی متفاوت دارد که به سایر متغیرهای تعدیل‌کننده بستگی تام و تمام دارد.

منابع سرمایه اجتماعی به سان سایر منابع، در ساختار اجتماعی نهفته است که کنش‌گر در درون آن جایی دست و پا کرده است. به راستی می‌توان سرمایه اجتماعی را از سایر منابع آن هم با توجه به بعد ویژه ساختار اجتماعی دربرگیرنده آن، متمایز و مجزا ساخت. زیرا سرمایه اجتماعی منبعی است که بر پایه جایگاه کنش‌گران در ساختار روابط اجتماعی آنان، در دسترس‌شان قرار گرفته است. حال این پرسش مطرح می‌شود که روابط اجتماعی چیست؟ از نظر مفهومی می‌توان بین سه بعد ساختار اجتماعی که هر یک در نوعی از انواع روابط ریشه دارد، تفاوت قایل شد: الف) روابط بازار که در آن کالا و خدمات در مقابل پول یا به صورت پایاپای مبادله می‌شود؛ ب) روابط سلسله مراتبی که طی آن اطاعت از مقامات صاحب اقتدار در عوض امنیت مادی و روحی مبادله می‌شود؛ ج) روابط اجتماعی که طی آن هدیه و خدمتی مبادله می‌شود. نوع سوم از این سه نوع، ساختار اجتماعی دربرگیرنده سرمایه اجتماعی را مطرح می‌سازد. آدلر و کوون در همان مقاله معروفی که در بالا بخشی از آن عیناً ارائه گردید، کوشیده‌اند تا از تعاریف متعدد سرمایه اجتماعی، جمع‌بندی منظمی ارائه دهند و تقسیم‌بندی‌هایی را استخراج کنند. دو متفکر یادشده در ارائه تقسیم‌بندی سرمایه اجتماعی در واقع به مرور تمامی کوشش‌های مشابه نیز پرداخته‌اند. به نظر آن دو «تعاریف سرمایه اجتماعی در کلیت شبیه یکدیگرند. لیکن تفاوت‌های ظریفی

نیز آنها را از یکدیگر مجزا می‌سازد. نخست آن‌که تعاریف ارائه شده باید براساس تاکید هر یک بر جوهر سرمایه اجتماعی، بر منابع و بالاخره بر آثار سرمایه اجتماعی از هم تفکیک شوند. دوم آن‌که باید توجه داشت که هر تعریف به چه نوع رابطه‌ای یا چه تعریفی از روابط استوار است. آدلر و کوون در این رابطه و باز هم با اشاره به مجموعه وسیعی از منابع و متون در دسترس، ضمن تفکیک سه نوع سرمایه اجتماعی پیوندی^۱، آوندی^۲ و هم‌آوندی^۳ و تفاوت‌های آن‌ها چنین آورده‌اند «تفاوت بین تعاریف ناشی از این امر است» که آیا آن‌ها بر الف) روابطی که کنش‌گری واحد با سایر کنش‌گران دارد و آن‌ها را حفظ می‌کند تاکید روا می‌دارند و یا تاکیدشان بر ب) ساختار روابط موجود بین کنش‌گران در درون قالبی جمعی^۴ است (سرمایه اجتماعی پیوندی یا تمرکز بر پیوندهای درونی یا داخلی قالب‌های اجتماعی عمده خون و تبار محور غیررسمی) و یا بالاخره تمرکزشان بر ج) روابط بیرونی یا خارجی است (سرمایه اجتماعی آوندی). ضمناً اوه و دیگران در سال ۱۹۹۹ دو نوع سرمایه اجتماعی پیوندی و آوندی را به ترتیب فرقه‌ای یا همگانی و هم‌آوندی خوانده بودند. معمول شده است که سرمایه اجتماعی آوندی را عمودی همراه با اعتماد ضعیف، و سرمایه اجتماعی پیوندی را افقی یعنی بین افراد برابر جایگاه در قالبی جمعی و قوی بنامند. منظور از کاربرد واژه‌هایی چون قوی یا ضخیم و ضعیف یا نازک اشاره به شدت و تکرار رابطه کنش‌گران است. در عین حال سرمایه اجتماعی عمودی و ضعیف به متغیرهای دیگری نیز وابسته است. از سوی دیگر سرمایه اجتماعی عمودی و ضعیف در درون ساختارهای رسمی سلسله مراتبی شکل می‌گیرد و برعکس، سرمایه اجتماعی افقی و قوی در ساختارهایی با اقتدار نامتمرکز و معمولاً همراه شهروندی قدرتمند، پدید می‌آید. سرمایه اجتماعی همچنین به باز و بسته تقسیم می‌شود. سرمایه

1. bonding
2. bridging
3. linking
4. Collectivity

اجتماعی باز از ساختارها و سازمان‌ها و شبکه‌هایی نشأت می‌گیرد که عضویت در آن‌ها بر پایه قواعد مدنی استوار و برای عموم امکان‌پذیر است؛ حال آن‌که سرمایه اجتماعی بسته، در ساختارهایی رخ می‌دهد که عضویت در آن‌ها محدود، محافظت شده و گزینشی است. همچنین باید از سرمایه اجتماعی شناختی یاد کرد که دربرگیرنده هنجارها و ارزش‌ها و نگرش‌ها و باورهای مورد قبول اعضاء در درون واحدی اجتماعی است. سرمایه اجتماعی ساختاری که تسهیل‌کننده عمل جمعی ناظر بر منافع مشترک است، بر پایه نقش‌های نهادینه و آن دسته از شبکه‌های اجتماعی پدید می‌آید که بر قواعد و رویه‌هایی مشخص استوار است. همچنین از مصداق‌های ساختاری و مصداق‌های ادراکی سرمایه اجتماعی سخن به میان آمده است.

محدودیت‌های حاکم بر مقاله با گستردگی مفهومی، پیچیدگی، تناقضات درونی و تنوع مفهوم سرمایه اجتماعی همخوان نیست؛ لذا چاره‌ای باقی نمی‌ماند مگر اشاره‌ای فهرست‌وار آن هم در قالب نموداری به چند مبحث باقی‌مانده مرتبط با مفهومی کردن سرمایه اجتماعی.

۴) جمع‌بندی

• سرمایه اجتماعی علی‌رغم کاستی‌ها، اغتشاش مفهومی و وجود غلط آموزشی‌های گوناگون در برخی از منابع و متون مربوط به آن، مفهومی جدید، مهم، قابل توجه و پویاست که با ربط دادن مباحث جامعه‌شناختی به مباحث اقتصادی و تاکید مجدد بر متغیرهای اجتماعی در تحلیل‌های اقتصادی بر غنای علوم اجتماعی می‌افزاید.

• سه حیطة اصلی تحقیق یعنی منابع سرمایه اجتماعی، رابطه علی بین اجزای ساختاری و نهادی سرمایه اجتماعی و بالاخره نتایج سرمایه‌داری، حیطة‌هایی است که به‌عنوان موضوع محوری در بحث از سرمایه اجتماعی شناخته شده‌اند و از این روی امکان تولید بر هم انباشتی دانش فراهم آمده است.

• به تدریج کاربرد سرمایه اجتماعی و مفید بودن چنین کاربردهایی در حیطة‌هایی چون توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی، توسعه منطقه‌ای و محلی، مطالعات اجتماع محلی، تعلیم و تربیت، خانواده و جوانان، اشتغال و سازمان، مردم‌سالاری و اداره کردن مردمی (حکم‌روایی - حکمرانی)، جرم و خشونت، رفتار جمعی و اخیراً به نحوی گسترده در حیطة‌های مرتبط با بهداشت عمومی و پایداری زیست‌محیطی، به اثبات رسیده و افزودن سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیری تاثیرگذار چه در عرصه‌های توصیفی و چه فرضیه‌آزمایی به اثبات رسیده است.

• در عین حال روز به روز محدودیت‌های سرمایه اجتماعی نیز روشن‌تر شده و از هیاهوی بسیار که به ناگهان در باب آن به‌عنوان کلید حلّ تمامی مسایل و مشکلات یا مفهومی جادویی به راه افتاده بود به شدت کاسته شده است. معلوم گردیده است که به علت بی‌توجهی در استفاده از آن که منجر به پیدایش بی‌دلیل ده‌ها نظرگاه و کارپایه مفهومی و نظری گردیده است از یک سو و پیچیدگی ذاتی مفهوم از سوی دیگر، در مواردی کارایی سرمایه اجتماعی محل تردید بوده و کنترل آن در فرایند پژوهش غیرممکن می‌گردد (نگاه کنید به Bertolini & Bravo, 2001:1; Cohen, 1999:220).

• به تبع استفاده از سرمایه اجتماعی - برکنار از مزایا و کاستی‌های آن - توجه عمومی به مباحث مهمی چون مشارکت اجتماعی، جامعه مدنی، اخلاقیات مدنی و مردم‌سالاری محلی و مشارکتی به نحوی بی‌سابقه جلب شده است و مورد تأکید قرار گرفته است.

• مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی در دو جهت به طور همزمان به پیش رفته است. در زمینه نخست آن را منبعی متعلق به فرد تلقی کرده و در جهت دوم سرمایه اجتماعی را از جمله مختصات شبکه‌های اجتماعی و روابط اجتماعی تصور نموده‌اند. این دو نوع مفهوم‌سازی با در نظر گرفتن سه سطح تحلیل کلان، میانه و خرد، امکان توجه به ابعاد متعدد و گاه متناقض سرمایه اجتماعی را فراهم آورده، به تدریج نظمی روش‌شناختی در کاربرد آن پدید آمده است که تکامل بعدی آن، سبب غلبه بر شکاف موجود بین سطح نظری و سطح روش‌شناختی در بحث‌های سرمایه اجتماعی خواهد گشت.

- Adler, P. & Kwon, S. (2000), **Social Capital: The Good, The bad, and the Ugly**, in Lesser, E. L. (ed), Knowledge and Social Capital: Foundations and Applications, Boston, Butterworth-Heinemann.
- Adler, P. S. & Kwon, S. (2002), **Social Capital: Prospects for a New Concept**, Academy of Management Review, 27 (1).
- Anheier, H. K. & Kendall, J. (2000), **Trust and Voluntary Organizations: Three Theoretical Approaches**, Civil Society Working Paper 5, London School of Economics, in <www.lse.ac.uk/collections/CCS/pdf/CSWP5web-version.PDF>.
- Baron, S.; Field, J. & Schuller, T. (2000), **Social Capital: A Review and Critique**, in Baron, S.; Field, J. & Schuller, T. (eds), Social Capital: Critical Perspectives, Oxford, Oxford University Press.
- Bourdieu, P. (1986), **The Forms of Capital**, in Richardson, J. (ed), Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education, Green Wood Press, Westport, CT.
- Business Day. 2004/11/08, 12:00:00 AM. Foreign investors are not the villains <www.businessday.co.za/Articles/TarkArticle.aspx?ID=1302930>.
- Coleman, J. S. (1998), **Social Capital in the Creation of Human Capital**, American Journal of Sociology, 94.
- Côté, S. (2001), **The Contribution of Human and Social Capital**, ISUMA Canadian Journal of Policy Research, 2 (1).
- Evans, P. (1996), **Introduction: Development Strategies across the Public-Private Divide**, World Development, 24(6).
- Field, John. (2003), **Social Capital**, London, Routledge.
- Fine, B. (2001), **Social Capital versus Social Theory: Political Economy and Social Science at the Turn of the Millennium**, Routledge, London and New York.
- Fukuyama, F. (1995), **Social Capital and the Global Economy**, Foreign Affairs, 74(5).
- Granovetter, M. (1985), **Economic Action and Social Structure: The Problems of Embeddedness**, American Journal of Sociology, 91(3).

- Grootaert, C. (1999), **Social Capital, Household Welfare, and Poverty in Indonesia**, Local Level Institutions, Working Paper no. 6, Washington, DC, The World Bank.
- Kilby, P. (2002), **Social Capital and Civil Society**, National Centre for Development Studies, Australian National University.
- Krishna, A. & Shrader, E. (1999), **Social Capital Assessment Tool**, Social Capital Initiative Working Paper no. 22, The World Bank, Washington DC. in <www.worldbank.org/poverty/scapital/wkrppr/wrkppr.htm>
- Krishna, A. (2002), **Active Social Capital: Tracing the Roots of Democracy and Development**, Columbia, Columbia University Press.
- Lesser E. L. (ed). (2000), **Knowledge and Social Capital: Foundations and Applications**, Boston, Butterworth-Heinemann.
- Levi, M. (1996), **Social and Unsocial Capital: A Review Essay of Robert Putnam's Making Democracy Work**, Politics and Society, 24(1).
- Maloney, W. A.; Smith, G. & Stoker, G. (2000). **Social Capital and Associational Life**, in Baron, S.; Field, J. & Schuller, T. (eds), Social Capital: Critical Perspectives, Oxford: Oxford University Press.
- Maluccio J.; Haddad, L. & May, J. (1999), **Social Capital and Income Generation in South Africa, 1993-98**, paper prepared for IDSIFPRI workshop, Economic Mobility and Poverty Dynamics in Developing Countries, 7-8 April 1999 Brighton.
- Narayan, D. & Cassidy, M. F. A. (2001), **Dimensional Approach to Measuring Social Capital: Development and validation of a Social Capital Inventory**, in Current Sociology, 49(2), SAGE Publications, London, Thousand Oaks, CA and New Delhi.
- Narayan, D. & Pritchett, L. (1997), **Cents and Sociability: Household Income and Social Capital in Rural Tanzania**, Policy Research Working Paper No. 1796, Washington DC, World Bank.
- Ostrom, E. (2000), **Social Capital: A Fad or Fundamental concept?**, in Dasgupta, P. & Seragilden, I. (eds), Social Capital: A Multifaceted

- Perspective, Washington DC, World Bank.
- Patulny, R. (2004), **Social Capital Norms, Networks and Practices – A Critical Evaluation**, SPRC Discussion Paper No. 134, Sydney, The Social Policy Research Centre.
 - Pantoja, E. (1999), **Exploring the Concept of Social Capital and its Relevance for Community Based Development: The Case of Mining Areas in Orissa, India**, draft paper, Social Capital Initiative, South Asia Infrastructure Unit, The World Bank.
 - Paxton, P. (1999), **Is Social Capital Declining in the United States? A multiple indicator assessment**, American Journal of Sociology, 105.
 - Portes, A. & Landolt, P. (1996), **Unsolved Mysteries: The Tocqueville Files II. The Downside of Social Capital**, The American Prospect, 7.
 - Portes, A. (1998), **Social Capital: Its Origins and Applications in Modern Sociology**. Annual Review of Sociology, 24(1).
 - Putnam, R.; Leonardi, R. & Nanetti, R. (1993), **Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy**, Princeton, Princeton University Press.
 - Putnam, R. D. (1995), **Tuning in, Tuning out: The Strange disappearance of social Capital in America**, Political Science and Politics, 28.
 - Putnam, R. D. (2000), **Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community**, New York, London, Simon & Schuster.
 - Sandefur, R. & Laumann, E. O. (1998), **A Paradigm for Social Capital**. Rationality and Society, 10(4), Sage Publications.
 - Skocpol, T. (1996), **The Tocqueville Problem: Civic Engagement in American Democracy**, Presidential address to the annual meeting of the Social Science History Association, New Orleans, LA, October 12.
 - Solow, R. (1995), **Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity**, The New Republic, 213.
 - Stone, W. & Hughes, J. (2002), **Social Capital: Empirical Meaning and Measurement Validity**, Melbourne, Australian Institute of Family Studies.
 - Swedberg, R. M. (1991), **The Battle of the Methods: Toward a Paradigm**

- Shift?** In Etzioni, A. & Lawrence, P. R., *Socio-Economics: Toward a New Synthesis*, New York, M. E. Sharpe Inc.
- Szreter, S. (2000), **Social Capital, the Economy and Education in Historical Perspective**, in Baron, S.; Field, J. & Schuller, T. (eds), *Social Capital: Critical Perspectives*, Oxford, Oxford University Press.
 - Uphoff, N. (2000), **Understanding Social: Learning from the Analysis and Experiences of Participation**, in Dasgupta, P. & Serageldin, I. (eds), *Social Capital: A Multifaceted Perspective*, Washington DC, World Bank.
 - Uslaner, E. **Democracy and Social Capital**, in Warren, M. E. (ed), *Democracy and Trust*, New York, Cambridge University Press.
 - Warner, M. (2001), **Building Social Capital: The Role of Local Government**, *Journal of Socio-Economics*, 30.
 - Winter, I. (2000), **Towards a Theorized Understanding of Family Life and Social Capital**, Melbourne, Australian Institute of Family Studies.
 - Woolcock, M. (1998), **Social Capital and Economic Development: Towards a Theoretical Synthesis and Policy Framework**, *Theory and Society*, 27.
 - Woolcock, M. (2001), **The Place of Social Capital in Understanding Social and Economic Outcomes**, *ISUMA Canadian Journal of Policy Research*, 2(1).
 - Woolcock, M. & Narayan, D. (2000), **Social Capital: Implications for Development Theory, Research and Policy**, *The World Bank Research Observer*, 15(2).